

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

سیدهاشم سدید

۱۸ دسمبر ۲۰۱۱

وحدت ملی چگونه به دست می آید؟

آنانی که با برجسته ساختن یک زبان در یک کشور چند زبانه می خواهند، آنگونه که خود این مطلب را تلویحاً در نوشته های شان ابراز می دارند، به وحدت ملی دست پیدا کنند، باید بدانند که در دنیایی که ما امروز زندگی می کنیم و با توجه به حقایق غیر قابل انکار و اغماض، یعنی وجود اقوام، خرده فرهنگ ها و زبان های مختلف در یک کشور، چنین کاری ممکن نیست. چنین امری در زمان های گذشته، آنگاهی که حق و حقوق مردم را شاهان پرزور و شمشیر به دست جبار تعیین می کردند ممکن بود، ولی امروز که مشکلات و مسائل در روشنی تعبیری مانند حقوق بشر و عدالت اجتماعی و آزادی و برابری حل و فصل می گردد، رسیدن به این گونه آرزو ها از طریق زور شاهان یا حکومت های تحمیلگر دیگر غیر عملی است.

در عصر ما تنها و تنها دو چیز می تواند مؤلفه های اصلی و اساسی وحدت ملی در یک کشور چند قومی و چند زبانی باشد. یکی از این دو چیز سرزمینی است که مردم در آن زندگی می کنند و دیگر وجود عدالت میان تمام اقوام.

جامعه شناسان مؤلفه های زیادی مانند زبان و تاریخ و فرهنگ را برای وحدت یک ملت ضروری پنداشته اند. شکی نیست که مردمانی که به یک زبان تکلم می کنند و دارای عرف و عادات و رسم و رواج های مشابه و ریشه واحدی هستند نسبت به مردمانی که مشترکات شان باهم کمتر است، بیشتر متشکل هستند، ولی آنجا که چنین اشتراکاتی وجود ندارد یا کمتر وجود دارد، چه؟

بر سر عامل اول، یعنی بر سر افغانستان به عنوان محور اصلی و اساسی وحدت ملی فکر نکنم که هیچ قومی اختلاف داشته باشد. بر سر این محور به عنوان محور اساسی و اصلی همه ما هم نظر هستیم. ما همه افغان هستیم و افغانستان خانه ماست. نبود وحدت ملی، اگر گاه از این زبان یا آن قلم چیزی شنیده می شود، تا جایی که من متوجه شده ام، در این نیست که ما بر سر افغان بودن توافق نداشته باشیم. مشکل ما در واقع این است که در کشور ما با اقوام و با داشته های زبانی، فرهنگی و قومی شان برخورد برابر صورت نمی گیرد! آنانی که شکایت دارند،

میگویند: آره، افغانستان خانه همه ماست، اما در این خانه حقوق همه آنگونه که باید مراعات و احترام می شد، یا احترام شود، در عمل مراعات و احترام نشده است؛ و جایی که حق و حقوق همه احترام نشود و عدالت وجود نداشته باشد بحث وحدت بحث بیهوده است.

تحلیل کلمات بیشتر پشتو در زبان فارسی دری به وسیله کمیسیون منتخب در دهه سی شمسی در کشور و دفاع از آن کار مقرون با احترام به داشته های فارسی زبانان کشور نبود؛ و نه هست! شفاخانه کلمه فارسی ایران نبود که آن را به بهانه تهاجم فرهنگی ایرانیان از زبان فارسی دری حذف و به جای آن کلمه روغتون را رسمیت بخشیدند. همچنین کلمات زایشگاه و دواخانه و غیره و غیره. کلمات فارسی دری که در زبان پشتو راه پیدا کرده اند در نتیجه تماس فارسی زبانان با پشتو زبان و به شکل خود به خودی و بدون اجبار در این زبان درهم آمیخته اند، ولی کلمات پشتویی که بنابر پیشنهاد کمیسیون یاد شده به جای کلمات فارسی دری رواج داده شد، داد و ستد عادی میان زبان ها نبود. این نوع تشبثات و اقدامات قوام بخش وحدت ملی نیستند. چنین تلاش هائی میان مردم ایجاد بی اعتمادی و خصومت می کند. بحث های بعضاً درشت فعلی نتیجه همین تلاش های اشتباه آمیز می باشد. و ناگفته پیداست که وجود بی اعتمادی و خصومت میان مردم یک کشور بهترین راه برای نفوذ بیگانه ها در آن کشور است؛ بیگانه هائی که برای نفوذ و تضعیف بیشتر یک کشور منتظر به وجود آمدن درز های قومی - زبانی - دینی - مذهبی - هویتی - و فکری در میان مردم آن کشور هستند؛ اگر نیک دیده شود، این ما هستیم که ناهمیده زمینه نفوذ و تهاجم های گوناگون کشور های بیگانه در خاک خود را مهیا می کنیم!

آنچه سبب استحکام وحدت ملی در یک کشور چند قومه و چند زبانه ای که حال به حقوق خویش، بر مبنای تعابیر جدید، یعنی آزادی و برابری و دموکراسی آشنا شده است، می باشد، تطبیق عدالت و شناخت حقوق همه در جامعه است؛ نه تحمیل یک شخص یا یک فرهنگ یا خرده فرهنگ و زبان بر شخص و فرهنگ و خرده فرهنگ و زبان های دیگر.

خواهش من از آنانی که مصرانه، ولی بيمورد از اقدامات نادرست دولت های گذشته به نام قوم و خویش و همزبان و هموطن (به معنی عامیانه آن) دفاع می کنند، این است که به خاطر ایجاد تفاهم و صمیمیت بیشتر میان مردم و استحکام وحدت ملی و حفظ استقلال کشور کار های غلطی را که در گذشته از طرف اشخاص و دولت ها صورت گرفته است، اگر واقعاً و جداً خواهان رفع تخاصمات و تخالفات موجود در کشور هستند و خواهان وحدت ملی در کشور می باشند، به مثابه اولین قدم در این جهت، تقبیح کنند.

تلاش برای حذف فزیکتی یا فرهنگی دیگران دشمنی به وجود می آورد، نه دوستی و وحدت. اگر علاقه به وحدت ملت دارید، به یکدیگر احترام بگذارید و حقوق یکدیگر را مراعات نموده عدالت را پیشه کنید!

خواهش دیگر من از آنانی است که بی دلیل و بدون سنجش کلمات نامانوس و کج و کلنج و بی ریشه بیگانه را به زبان خود راه می دهند. این ها، به خصوص صاحبان تلویزیون ها، سایت ها، روزنامه ها و مجلات باید در حد امکان بکوشند تا کلماتی که ناباب و نازیبا و دور از مفهوم هستند در تلویزیون ها، سایت ها، روزنامه ها و مجلات شان به نشر نرسد.

اصطلاح کج و کلنج شاید در لغت نامه ها وجود نداشته باشد، اما در زبان عامیانه مردم ما این اصطلاح زیاد به کار می رود!! وقتی از لغت نامه ها صحبت می کنم، منظورم لغت نامه های همسایه های ایرانی ماست که غالب ما با وجود این که دیده نداریم که آن ها را ببینیم، در مواقع ضرورت، ولی، تنها و تنها بدان ها مراجعه کرده حل مشکل می کنیم. بدیهی است که اگر ما به تدوین یک لغت نامه جامع فارسی دری که در افغانستان صحبت می شود می

پرداختیم، معنی این اصطلاح و معنی اصطلاحات عامیانه دیگر مانند "تخته کردن" (چیزی را به زور در میان چیزهای دیگر جا دادن) را می توانستیم در آن ها پیدا کنیم. اما ما کجا و این کار ها کجا؟! اول باید از لت و پار کردن و یخن دریدن یکدیگر خلاص شویم!!

۲۰۱۱/۱۲/۱۷